

مهارت‌های جغرافیایی

روستاهای شهرستان آبادان

تحلیل فضایی مراکز آموزش با استفاده از GIS

علی حنظل عبدانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و دبیر جغرافیا

مقدمه

در یک نگرش نظام‌دار، بی‌توجهی به توزیع فضایی مناسب و اصولی مراکز آموزشی موجب کاهش کارایی نظام آموزشی، ایجاد مشکلات برای دانش‌آموزان و تحمیل بار مالی مضاعف بر نظام آموزشی و خانواده‌ها خواهد شد [صالحی و رضاعلی، ۱۳۸۴]. این امر به‌خصوص در جوامع محروم روستایی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از اهمیت فراوانی برخوردار است، چرا که عموماً در این کشورها، روستاییان از سواد کمتر برخوردارند و در حداقل بهره‌مندی از آموزش‌های رسمی به‌سر می‌برند. همین امر سبب می‌شود که بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی بماند و رشد اقتصادی با کندی و با هزینه‌های سنگین‌تری صورت گیرد [تقوی و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷].

به‌علاوه، اهمیت این موضوع زمانی مشخص‌تر خواهد شد که ببینیم، در جهانی که بر عنصر دانایی و آگاهی استوار است، عامل اصلی برتری جوامع بر تخصص و توانمندی و دانش نیروی انسانی فرهیخته و متخصص مبتنی است و بهبود کیفیت آن و افزایش کارایی در به‌کارگیری آن، جزو رده‌بندی‌های آغازین برنامه‌ریزی توسعه محسوب شده است [عزیزی، ۱۳۸۲]. بنابراین، مکان‌یابی مراکز آموزشی و در دسترس بودن آن برای قاطبه جامعه روستایی نقش با اهمیتی در توسعه روستاها بازی می‌کند.

اما برنامه‌ریزی فضاهای آموزشی مانند سایر ابعاد برنامه‌ریزی‌های مکانی-فضایی، به دلایل متعدد از جمله محدودیت بودجه و اعتبارات، کمبود نیروی انسانی، لزوم در نظر گرفتن آستانه جمعیتی و... با پیچیدگی‌هایی همراه است که بدون استفاده از مدل‌ها و روش‌های مناسب، کار برنامه‌ریزی را با مشکل مواجه خواهند ساخت و چه بسا اهداف مورد نظر تحقق نیابد یا احتمال تحقق آن‌ها با ریسک فراوانی توأم باشد [لاله‌پور، ۱۳۸۱].

روش‌های سنتی به علت پرهزینه و وقت‌گیر بودن دیگر قابل توجیه نیستند، در حالی که لازمه مدیریت و برنامه‌ریزی [هوشمند] استفاده از ابزار نیرومند برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و آنالیز انبوهی از اطلاعات است. بدون شک سیستم اطلاعات جغرافیایی فناوری لازم برای این مهم به شمار می‌رود [زنگی‌آبادی، ۱۳۸۷].

در همین راستا، تحقیق حاضر سعی دارد در «مقیاس دهستان» توزیع فضایی خدمات آموزشی دوره‌های متفاوت تحصیلی از ابتدایی تا پیش‌دانشگاهی را در شهرستان آبادان مورد بررسی قرار دهد تا بتواند به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

- آیا توزیع خدمات آموزشی بین دهستان‌های شهرستان آبادان به شکل موزون و متعادل انجام شده است؟
- آیا همه روستاهای شهرستان آبادان به واحدهای آموزشی دسترسی دارند؟

روش تحقیق

در این تحقیق سعی شده است ابتدا با استفاده از آمار کمی و

چکیده

یکی از ابعاد مهم برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی مکانی-فضایی برای تعیین بهترین نقاط برای ایجاد و توسعه مراکز آموزشی است تا با ایجاد حداکثر پوشش ممکن برای جمعیت هدف، فرصت تحصیل به شکل عادلانه در اختیار افراد ذی‌نفع قرار گیرد. از این رو تحقیق حاضر سعی دارد در «مقیاس دهستان»، توزیع فضایی خدمات آموزشی دوره‌های متفاوت تحصیلی از ابتدایی تا پیش‌دانشگاهی را در شهرستان آبادان مورد بررسی قرار دهد. به این منظور ابتدا با استفاده از آمار کمی و توصیفی، سطوح برخورداری شش دهستان منطقه مورد مطالعه، بررسی و سپس با کمک «سیستم اطلاعات جغرافیایی» (GIS) و تهیه لایه‌های اطلاعاتی لازم، حوزه تحت پوشش مدارس تعیین شد و روستاهای محروم شناسایی شدند.

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های کمی مربوط به فضاهای آموزشی حاکی از آن است که بین دهستان‌ها، دهستان «شلاهی» دارای بیشترین محدودیت و کمبود در زمینه فضاهای آموزشی است. اما به طور مشخص در رابطه با سرانه زیربنای فضاهای آموزشی، تقریباً همه دهستان‌ها با کمبود شدید در این زمینه مواجه‌اند. از نظر شعاع دسترسی کمترین کمبود و نارسایی در بخش ابتدایی و بیشترین نارسایی و محدودیت مربوط به پایه پیش‌دانشگاهی است.

کلیدواژه‌ها: فضاهای آموزشی، مکان‌یابی، روستا، GIS

بخش اروندکنار علی‌رغم در برداشتن تعداد روستاهای بیشتر، از جمعیت روستایی کمتری نسبت به بخش مرکزی برخوردار است

بخش اروندکنار علی‌رغم در برداشتن تعداد روستاهای بیشتر، از جمعیت روستایی کمتری نسبت به بخش مرکزی برخوردار است. به طوری که با ۶۱ درصد روستاها، تنها دارای ۳۲ درصد جمعیت روستایی بوده است. در حالی که بخش مرکزی تنها با داشتن ۳۹ درصد از روستاها، دارای ۶۸ درصد جمعیت ساکن مناطق روستایی است. این امر بیشتر متأثر از موقعیت خاص دهستان «شلاهی» در این بخش است که با بهره‌مندی از دو ساحل رودخانه بهمینشیر و اروندرود و مجاورت با شهر آبادان بدون وجود مانع طبیعی، توسعه یافته است؛ به گونه‌ای که این دهستان به تنهایی ۴۱ درصد جمعیت روستایی را در خود جای داده است.

توصیفی سطوح برخورداری شش دهستان منطقه مورد مطالعه، بررسی شده و سپس با کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی و تهیه لایه‌های اطلاعاتی لازم، حوزه تحت پوشش مدارس تعیین و روستاهای محروم شناسایی شوند تا در گام‌های بعدی بتوان برای رفع نابرابری و محرومیت آن‌ها پیشنهادهای لازم را ارائه کرد.

توزیع فضایی جمعیت و سکونتگاه‌های روستایی

شهرستان آبادان با مساحت ۲/۶۵۲ کیلومترمربع، در جنوب غربی استان خوزستان واقع شده است. این شهرستان از شمال با شهرستان‌های خرمشهر و شادگان هم‌مرز، از جنوب و شرق به خلیج فارس و از غرب به رود اروند منتهی می‌شود. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، این شهرستان دارای دو بخش، شش دهستان، دو مرکز شهری و ۶۹ نقطه روستایی بوده است (جدول ۱). نقشه ۱ موقعیت دهستان‌ها و پراکنش فضایی مراکز شهری و روستایی شهرستان آبادان را نشان می‌دهد.



نقشه ۱. تقسیمات سیاسی شهرستان آبادان

در شهرستان آبادان کمتر از ۲۰ درصد از روستاها دارای جمعیتی کمتر از ۱۰۰ نفر، در حدود ۳۷ درصد دارای جمعیت ۱۰۰ - ۵۰۰ نفر و بیش از ۴۳ درصد از روستاها دارای جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر هستند. اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در بخش اروند کنار فقط ۴ روستا از دهستان مینوبار - که نسبت به سایر دهستان‌های این بخش به شهر آبادان نزدیک‌تر است - دارای جمعیت بین ۲۵۰۰ - ۱۰۰۰ نفر هستند. در مجموع، ۲۳ درصد از روستاهای بخش اروند کنار بیش از ۵۰۰ نفر ساکن دارند، در حالی که این نسبت برای بخش مرکزی ۷۵ درصد است. بدین ترتیب دهستان‌هایی که به شهر آبادان به عنوان «مادرشهر ناحیه‌ای» نزدیک‌تر بوده‌اند، احتمالاً به دلیل دسترسی آسان‌تر به خدمات و امکانات شهری، توانسته‌اند روستاهای بزرگ‌تری را در بطن خود ایجاد کنند. چنین پدیده‌ای پیرامون شهر اروندکنار که هنوز ماهیت روستایی دارد و به دلیل کمبود خدمات، هم‌چنان وابستگی شدیدی به شهر آبادان دارد، کمتر رخ داده است.

وضع موجود فضاهای آموزشی

شهرستان آبادان به همان ترتیب که از دو بخش تشکیل شده، نیز دارای دو ناحیه آموزش و پرورش آبادان و اروندکنار است. در سال تحصیلی ۱۳۸۶ - ۱۳۸۵، مجموعاً ۷۷ واحد آموزشی در ۵۳

جدول ۱. تعداد روستاها، خانوار و جمعیت دهستان‌های شهرستان آبادان در سرشماری ۱۳۸۵

ردیف	دهستان	تعداد روستا	درصد روستا	تعداد خانوار	درصد خانوار	جمعیت	درصد جمعیت
مرکزی	بهمینشیر جنوبی	۹	۱۳	۱۶۱۴	۱۸	۸۸۱۲	۱۸/۵
	بهمینشیر شمالی	۴	۶	۶۹۰	۸	۴۰۰۰	۸/۵
	شلاهی	۱۴	۲۰	۳۵۷۰	۴۰	۱۹۲۹۹	۴۱
	جمع	۲۸	۳۹	۵۸۷۴	۶۶	۳۲۱۱۱	۶۸
اروندکنار	مینوبار	۱۱	۱۶	۱۸۷۷	۲۱,۵	۹۶۳۵	۲۰/۵
	نصار	۲۷	۳۹	۱۰۶۷	۱۲	۵۲۷۵	۱۱
	نواباد	۴	۶	۳۹	۰,۵	۱۷۴	۰/۵
	جمع	۴۳	۶۱	۲۹۸۳	۳۴	۱۵۰۸۴	۳۲
کل شهرستان		۶۹	۱۰۰	۸۸۵۷	۱۰۰	۴۷۱۹۵	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

فضای آموزشی در نواحی روستایی این شهرستان دایر بوده‌اند که ۳۲ آموزشگاه متعلق به ناحیه آموزش و پرورش آبادان (بخش مرکزی) و ۲۱ مورد از آن در حوزه ناحیه آموزش و پرورش اروندکنار (بخش اروندکنار) قرار داشته است. در مجموع از ۷۷ واحد آموزشی روستایی، تعداد ۴۹ واحد به دوره ابتدایی، ۱۹ واحد به دوره راهنمایی، ۸ واحد به دوره متوسطه عمومی و تنها ۱ واحد به پایه پیش‌دانشگاهی اختصاص دارد.

در دوره ابتدایی، بیشتر واحدهای آموزشی به صورت مختلط (پسر و دختر) سرویس دهی می‌کنند؛ به طوری که قریب به ۷۰ درصد این واحدها به این شیوه فعال‌اند. در دوره راهنمایی، تعداد مراکز آموزشی دخترانه کمتر از مراکز آموزشی پسرانه است که این امر می‌تواند با توجه به برخی از محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی که در روستاها مشهود است، مانع جدی برای ادامه تحصیل دختران روستایی باشد. با وجود این، در دوره متوسطه تعداد واحدهای آموزشی پسرانه و دخترانه در کل منطقه برابر بوده است، اما در بخش مرکزی این امر به نفع دختران و در بخش اروندکنار به نفع پسران صورت گرفته است. در پایه پیش‌دانشگاهی کل منطقه دارای یک مرکز دخترانه است.

بین دهستان‌ها نیز، به ترتیب ۳۷/۷ و ۲۷/۳ درصد از واحدهای آموزشی به دهستان‌های شلاهی و مینوبار اختصاص دارند. سهم دهستان‌های بهم‌نشیر جنوبی، بهم‌نشیر شمالی و نصار نیز به ترتیب ۱۴/۳، ۱۰/۴ و ۱۰/۴ درصد است (نمودار ۱). در این میان، دهستان نوآباد فاقد آموزشگاه در هر دوره تحصیلی است. به همین دلیل در ادامه، دهستان نوآباد به شکل مستقیم مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و تنها در صورت لزوم بدان اشاراتی صورت می‌گیرد.

با توجه به آمار موجود تعداد کل دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون تحصیلی که در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ در آموزشگاه‌های روستایی در حال تحصیل بوده‌اند، ۸۰۳۳ نفر بوده است که ۵۹ درصد آن‌ها در دوره ابتدایی، ۲۹ درصد در دوره راهنمایی و ۱۱/۷ درصد در دوره متوسطه و ۰/۳ درصد در پایه پیش‌دانشگاهی دانش‌آموز بوده‌اند. به نظر می‌رسد این تفاوت در تعداد دانش‌آموزان هر دوره عمدتاً ناشی از ترک تحصیل در رده‌های بالاتر به خصوص بین دانش‌آموزان دختر روستایی و یا ناشی از ادامه تحصیل دانش‌آموزان پسر در شهرهاست که با بالا رفتن پایه تحصیلی رخ می‌دهد.

البته نسبت تغییرات فوق‌الذکر برای نواحی روستایی بخش مرکزی و بخش اروندکنار متفاوت است. در بخش مرکزی، به دلیل دسترسی آسان‌تر به آموزشگاه‌های واقع در شهر آبادان، این تغییرات بیشتر از اروندکنار است. بدین‌سان که درصد دانش‌آموزان برای هر سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بخش مرکزی به ترتیب ۶۴، ۲۷ و ۹ درصد است، در حالی که این نسبت برای بخش اروندکنار ۵۰، ۳۲ و ۱۸ درصد است.

۶۲ درصد از کلاس‌های دایر به بخش مرکزی و ۳۸ درصد آن‌ها به بخش اروندکنار اختصاص دارد این در حالی است که مساحت زمین

در دهستان‌های شلاهی، مینوبار، بهم‌نشیر جنوبی، بهم‌نشیر شمالی و نصار، به ترتیب ۴۲، ۲۶، ۱۳/۵، ۹/۵ و ۹ درصد دانش‌آموزان تحصیل می‌کنند

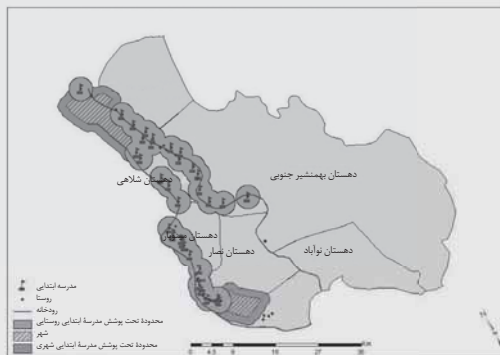
فضاهای آموزشی بخش اروندکنار بیش از بخش مرکزی است؛ به نحوی که ۴۷ درصد مساحت زمین متعلق به بخش مرکزی و ۵۳ درصد به بخش اروندکنار اختصاص دارد. با وجود این، باز هم مساحت زیربنای فضاهای آموزشی در بخش مرکزی (۵۹ درصد) بیش از بخش اروندکنار (۴۱ درصد) است.

در دهستان‌های شلاهی، مینوبار، بهم‌نشیر جنوبی، بهم‌نشیر شمالی و نصار، به ترتیب ۴۲، ۲۶، ۱۳/۵، ۹/۵ و ۹ درصد دانش‌آموزان تحصیل می‌کنند. هم‌چنین، دهستان شلاهی، مینوبار، بهم‌نشیر جنوبی، بهم‌نشیر شمالی و نصار به ترتیب دارای ۳۸، ۲۸، ۱۴، ۱۰ و ۱۰ درصد کلاس‌های دایر واحدهای آموزشی‌اند.

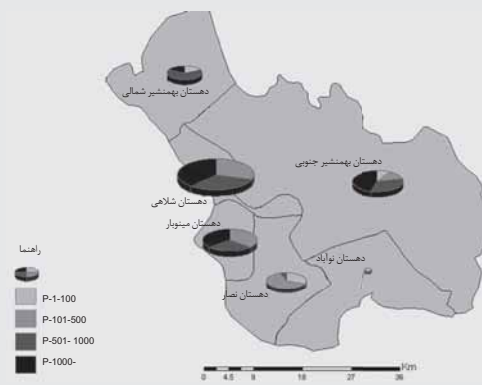
در زمینه مساحت زمین و زیربنای فضاهای آموزشی، ترتیب پیشین دهستان‌ها تغییر پیدا می‌کند. بدین‌سان که دهستان مینوبار به جای دهستان شلاهی در رتبه اول، و دهستان نصار در رتبه‌ای بالاتر از دهستان بهم‌نشیر شمالی قرار می‌گیرد. از مساحت زمین فضاهای آموزشی، سهم دهستان مینوبار، شلاهی، بهم‌نشیر جنوبی، نصار و بهم‌نشیر شمالی و به ترتیب ۴۱، ۱۹، ۱۸، ۱۲ و ۱۰ درصد است. برای مساحت زیربنا هر پنج دهستان مذکور دارای ۳۰، ۲۵، ۲۵، ۹ و ۱۱ درصد از مساحت زیربنای فضاهای آموزشی‌اند.

تجزیه و تحلیل

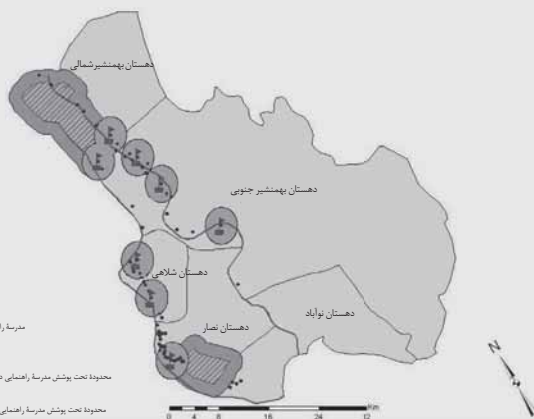
به منظور بررسی سؤال اول، یعنی نحوه توزیع امکانات فضاهای آموزشی، با توجه به داده‌های موجود سه شاخص تراکم دانش‌آموز در کلاس درس دایر، سرانه زمین و سرانه زیربنای فضای آموزشی، محاسبه و مورد استفاده قرار گرفت. در کشور ما حداقل استاندارد مطلوب برای تراکم دانش‌آموز در کلاس درس در سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به ترتیب ۳۰، ۳۰ و ۳۶ نفر است [شیعه، ۱۳۸۲]. بر همین اساس، میزان تراکم دانش‌آموز در کلاس‌های درس دایر محدوده مورد مطالعه برای همه دوره‌های تحصیلی، وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد (جدول ۷)، به نحوی که در این زمینه، نه تنها کمبود احساس نمی‌شود، بلکه در برخی از آموزشگاه‌ها به‌ویژه در دوره ابتدایی تکمیل ظرفیت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس با مشکل مواجه است. همین امر توجه‌کننده تشکیل کلاس‌های مختلط برای تأمین حد



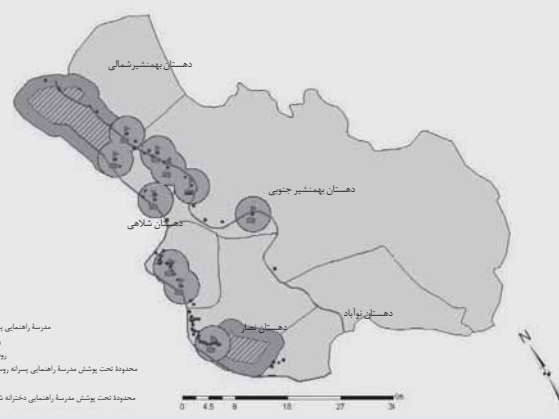
نقشه ۳. روستاهای تحت پوشش مدارس ابتدایی



نقشه ۲. میزان جمعیت و نسبت روستاهای هر طبقه جمعیتی دهستان‌های شهرستان آبادان



نقشه ۵. روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی دخترانه



نقشه ۴. روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی پسرانه

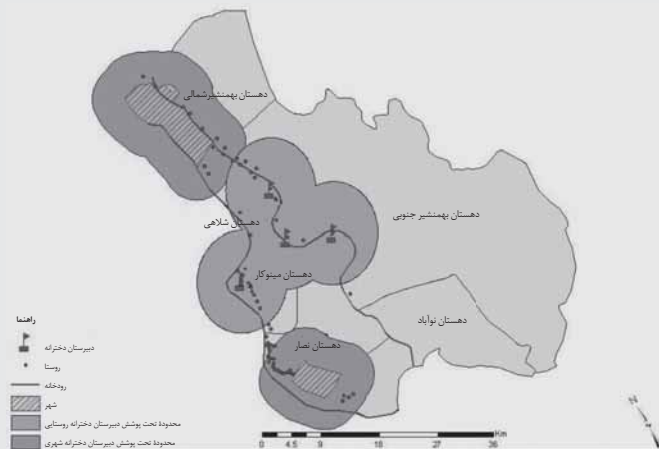
داده شده است. به طوری که سرانه کاربری آموزشی در اروندکنار بیش از دو برابر بخش مرکزی است. شلاهی، پرجمعیت‌ترین دهستان منطقه با محدودیت سرانه زمین (۴/۸ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز) و سرانه زیربنای (۱/۵ متر مربع به ازای هر دانش‌آموز) فضاهای آموزشی روبه‌روست. در این دهستان آموزشگاه‌هایی وجود دارند که ناگزیرند در هر شیفت به یک گروه جنسی و دو دوره تحصیلی خدمات ارائه دهند. البته سایر دهستان‌ها، اگرچه با توجه به استاندارد ۱۳ متر مربع کاربری آموزشی برای هر دانش‌آموز تقریباً وضعیت مطلوب یا قابل قبولی دارند، اما با در نظر گرفتن استاندارد سرانه ۶/۵ متر مربع زیربنای کاربری آموزشی برای هر دانش‌آموز، هیچ کدام از دهستان‌های مورد مطالعه حائز شرایط استاندارد در زمینه زیربنای فضاهای آموزشی را ندارند. تنها دهستان بهمنشیر جنوبی است که در سال‌های اخیر به دلیل فعالیت نوسازی و یا ساخت مدارس جدید، وضعیت نسبتاً مطلوب‌تری را داراست.

در بررسی سؤال دوم که مربوط به شعاع دسترسی مراکز آموزشی

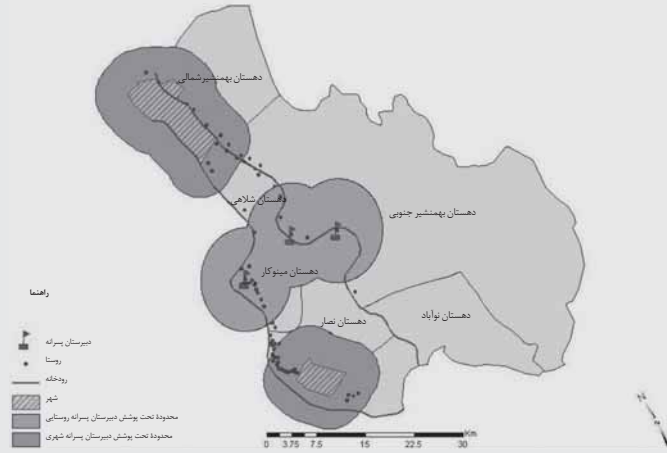
نصاب دانش‌آموزان بوده است.

البته لازم به ذکر است، آن‌چه در این‌جا به عنوان تراکم دانش‌آموزی در کلاس درس مطرح شده، میزان تراکم در کلاس‌های درس دایر در مجموع شیفت‌های آموزشی است. در صورتی که محاسبه تراکم در کلاس درس فیزیکی مد نظر بود، با توجه به چند شیفته بودن بسیاری از آموزشگاه‌های روستایی، میزان تراکم بیشتر می‌شد. در میان دهستان‌ها، اگرچه تفاوت در این شاخص کم است، اما دهستان شلاهی که از جمعیت روستایی و نیز دانش‌آموزی بیشتری برخوردار است، به نسبت سایر دهستان‌ها تراکم بیشتری دارد. البته با توجه به استاندارد تراکم، رقم ۲۴/۴ نفر برای این دهستان وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد. حد متوسط سرانه‌های آموزشی برای هر سه دوره ۶/۵ متر زیربنا و ۶/۵ متر فضای باز (یا ۱۳ متر سرانه آموزشی هر دانش‌آموز) است [شبیعه، ۱۳۸۲].

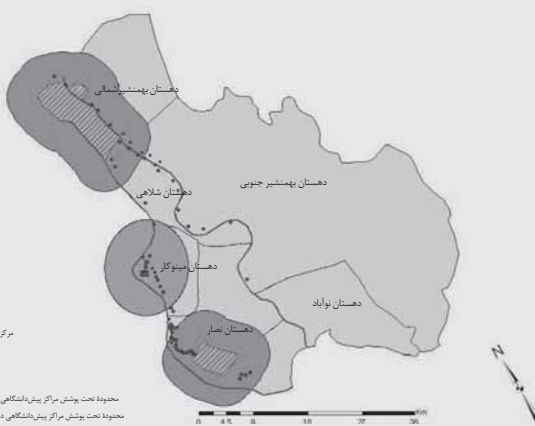
در ناحیه آموزش و پرورش اروندکنار، مساحت بیشتری به کاربری آموزش روستایی نسبت به ناحیه آموزش و پرورش آبادان اختصاص



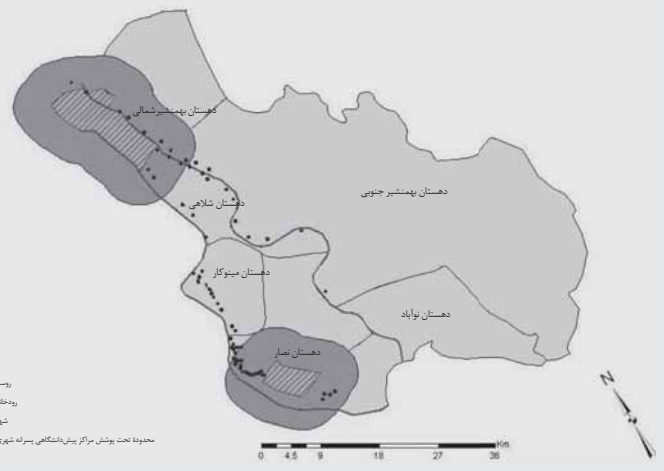
نقشه ۷. روستاهای تحت پوشش دبیرستان‌های دخترانه



نقشه ۶. روستاهای تحت پوشش دبیرستان‌های پسرانه



نقشه ۹. روستاهای تحت پوشش مراکز پیش‌دانشگاهی دخترانه



نقشه ۸. روستاهای تحت پوشش مراکز پیش‌دانشگاهی پسرانه

از کل جمعیت ناحیه روستایی شهرستان آبادان، کمتر از یک درصد جمعیت تحت پوشش خدمات واحدهای آموزش ابتدایی نیستند. به طوری که می‌توان اذعان داشت، در این دوره تحصیلی کمبود قابل توجهی احساس نمی‌شود. با وجود این، روستای «رده طاه» از دهستان شلاهی، با ۲۰۶ نفر سکنه، پرجمعیت‌ترین روستایی است که در میان شش روستای فاقد آموزش ابتدایی قرار دارد. با توجه به آستانه جمعیتی ۲۰۰ نفر، ایجاد یک مرکز آموزش ابتدایی در این روستا الزامی به نظر می‌رسد. البته در صورت وجود پل رابط روی رودخانه بهمنشیر، این روستا امکان آن را دارد که از دبستان واقع در روستای «بوشانک» نیز استفاده کند.

دهستان «نوآباد» با ۴ روستا و ۱۵۹ نفر سکنه در کل فاقد مرکز آموزش ابتدایی یا پوشش مراکز هم‌جوار است. بدیهی است با وجود فاصله بالغ بر سه کیلومتر تا نزدیک‌ترین مرکز ابتدایی، ایجاد یک مرکز آموزش ابتدایی در این حوزه روستایی کوچک ضروری به نظر می‌رسد. روستای «قفاس» از بهمنشیر جنوبی، به دلیل قرار گرفتن در آخرین

است، ابتدا توضیح دو نکته حائز اهمیت است: اول، نخست آن که علاوه بر مراکز آموزشی که در روستاها وجود دارند، مراکز آموزشی شهرها نیز در خدمات‌رسانی به حوزه روستایی پیرامون خود نقش دارند. بنابراین با پذیرش این مطلب که برخی از دانش‌آموزان روستایی از مراکز آموزشی شهری بهره می‌گیرند، لاجرم در تعیین محدوده‌های تحت پوشش مراکز آموزشی، ناگزیریم حریم سرویس‌دهی شهر به حوزه بلافاصله پیرامونش را نیز در نظر بگیریم. البته از آن‌جا که بخشی از مسافت پیموده شده توسط دانش‌آموزان در درون شهر است، لذا استاندارد شعاع دسترسی روستاییان به آموزشگاه‌های شهری با شعاع دسترسی آموزشگاه روستایی متفاوت است.

دوم، با توجه به محدودیت‌های ناشی از انفاصل دهستان‌ها توسط رودخانه، حریم بعضی از مراکز آموزشی، روستاهایی را پوشش می‌دهد که دانش‌آموزان آن‌ها قادر به تردد از روی رودخانه نیستند. از این‌رو، صرف قرار گرفتن در حریم خدمات‌رسانی دال بر امکان استفاده از خدمات آموزشی نیست.



(نقشه‌های ۸ و ۹). البته این مشکل برای دختران در بسیاری از موارد با ترک تحصیل همراه است.

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های کمی مربوط به فضاهای آموزشی حاکی از آن است که دهستان شلاهی دارای بیشترین محدودیت در زمینه فضاهای آموزشی است که توجه بیشتری را می‌طلبد. البته در مورد سرانه زیربنای فضاهای آموزشی، همه دهستان‌ها تقریباً از وضعیت مشابهی برخوردارند. بدین معنا که همه دهستان‌ها با کمبود شدید در این زمینه مواجه‌اند.

در رابطه با شعاع دسترسی، همان‌طور که اشاره شد، کمترین کمبود و نارسایی در بخش ابتدایی و بیشترین نارسایی و محدودیت مربوط به پایه پیش‌دانشگاهی است. البته در هریک از دوره‌های راهنمایی و متوسطه نیز در خدمات‌رسانی به دانش‌آموزان روستایی محدودیت وجود دارد؛ به نحوی که به محرومیت ایشان از ادامه تحصیل می‌انجامد. این موضوع برای دختران به دلیل عوامل فرهنگی جدی‌تر خواهد بود.

البته مشکل جدی‌تر دیگری نیز وجود دارد و آن هم کمبود فضاهای آموزشی فنی و حرفه‌ای و کاردانش است که نه تنها نقاط روستایی از آن بی‌بهره‌اند، بلکه شهر اروندکنار نیز فاقد چنین مرکزی است. بدیهی است این امر محدودیتی جدی برای شکوفایی استعدادهای ذاتی جوانان روستایی و مناطق محروم خواهد بود. به‌خصوص این‌که آموزش‌های چنین مراکزی اگر در رابطه با نیازهای شغلی منطقه باشد، در توسعه اقتصادی منطقه بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

منابع

۱. تقوی، مهدی و حسین محمدی (پاییز ۱۳۸۵). تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران. پژوهش‌نامه اقتصادی. سال ششم، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۲.
۲. رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. نشر قومس. چاپ دوم.
۳. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰). «تحلیلی بر رویکردهای مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی و رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی و مدل‌های تخصیص مکانی». فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی. سال شانزدهم، شماره ۳، شماره پیاپی ۶۲.
۴. زنگی‌آبادی، علی (۱۳۸۷). درس‌نامه کارشناسی ارشد GIS. دانشگاه اصفهان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه جغرافیا.
۵. سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان، واحد آمار.
۶. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه علم و صنعت. چاپ سیزدهم.
۷. صالحی، رحمان و رضاعلی، منصور (۱۳۸۴). «سامان‌دهی فضایی مکان‌های آموزشی (دوره متوسطه) شهر زنجان به کمک GIS». فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۳۷.
۸. لاله‌پور، منیژه (۱۳۸۱). «بررسی کاربری اراضی در برنامه‌ریزی شهری با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مورد: کاربری‌های آموزشی مدارس ابتدایی منطقه ۸ تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر اصغر نظریان. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۹. مدیریت نقشه برداری استان خوزستان، واحد GIS.
۱۰. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

۲۵ روستا با داشتن ۲۱ درصد از سکنه روستایی منطقه، از خدمات آموزشی دوره راهنمایی برای دختران محروماند

نقطه سکونت دهستان، فاصله زیاد و کمی جمعیت (۳۴ نفر)، نمی‌تواند از خدمات آموزشی دوره ابتدایی به شکل مستقیم بهره‌مند شود و در حال حاضر دانش‌آموزان این روستا می‌توانند از خدمات آموزشی موجود در روستای «تنگه سه» در فاصله ۱۹ کیلومتری استفاده کنند. نقشه ۳ پراکنش فضایی مراکز آموزش ابتدایی و محدوده تحت پوشش آن را نشان می‌دهد.

بر اساس نقشه شماره ۴، ۲۶ روستا تحت پوشش مراکز آموزش راهنمایی پسرانه نیستند که بیشتر از ۱۸/۵ درصد جمعیت روستایی را در خود دارند. در این بین، بیشترین جمعیت محروم از خدمات آموزشی، ساکنان چهار روستای دهستان بهمنشیر جنوبی هستند. در حالی که از همین بخش دهستان بهمنشیر شمالی به علت قرابت مکانی با شهر آبادان، علی‌رغم نداشتن حتی یک مرکز آموزش راهنمایی پسرانه، تحت پوشش خدمات آموزشی این دوره از طریق مراکز آموزشی شهری است. هم‌چنین، ۲۵ روستا با داشتن ۲۱ درصد از سکنه روستایی منطقه، از خدمات آموزشی دوره راهنمایی برای دختران محروماند (نقشه ۵). البته در بخش مرکزی، دانش‌آموزان دختر به نسبت دانش‌آموزان پسر، در این مقطع دارای محرومیت بیشتری هستند، در حالی که در بخش اروندکنار عکس این موضوع صادق است.

در دوره متوسطه، سه آموزشگاه پسرانه موجود در کنار آموزشگاه‌های شهری، توانسته‌اند حدود ۸۴ درصد جامعه روستایی شهرستان را پوشش دهند. در همین رابطه، آموزشگاه‌های دخترانه به ۹۶ درصد روستاییان خدمات‌رسانی می‌کنند. دلیل این تفاوت وجود دبیرستان دخترانه چهارم در روستای «طره بخاخ» از دهستان شلاهی است. (نقشه‌های ۶ و ۷)

با وجود آن‌که وضعیت تا اندازه‌ای قابل قبول برای دوره متوسطه وجود دارد، در پایه پیش‌دانشگاهی، دانش‌آموزان روستایی با محدودیت بسیار جدی مواجه‌اند. بدین‌سان که برای پسران در هیچ آموزشگاهی به استثنای آموزشگاه‌های شهری، این پایه تعریف نشده است. برای دختران نیز تنها یک آموزشگاه در دهستان مینوبار وجود دارد. بدین ترتیب ۳۴ روستا با جمعیت ۳۰/۹۴۹ نفر، از خدمات آموزش پیش‌دانشگاهی پسرانه و ۲۲ روستا با جمعیت ۲۰/۸۳۳ نفر، از خدمات آموزش پیش‌دانشگاهی دخترانه محروم هستند. یعنی روستاییان ناچار به استفاده از آموزشگاه‌های شهری علی‌رغم مشکلات رفت و آمد هستند